

اهمیت و نقش صنایع کوچک روستایی در ایجاد اشتغال پایدار

غلامعباس ملاشاهی
کارشناسی ارشد توسعه
روستایی دانشگاه تبریز

افزایش بیکاری در کنار تخریب فزاینده منابع، از چالشهای اقتصادی - فرهنگی بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران است. این معضلات در حیطه مناطق روستایی عمق و پیچیدگی بیشتری دارند. از این رو، گروهی از محققان توسعه روستایی، صنعتی شدن روستا را به عنوان سنگبنای راهبرد توسعه آینده مورد بحث قرار می دهند و معتقدند که صنعتی شدن و طرحریزی مطلوب صنایع در مناطق روستایی به عنوان یک کاتالیزور در جهت ایجاد توسعه پایدار و به عنوان آخرین راه حل مشکل فقر مناطق روستایی، و بیکاری و عاملی تسکین دهنده برای مناطق محروم روستایی محسوب میشود. بنابراین، برای دستیابی به توسعه روستایی با توجه به عدم توان بخش کشاورزی نسبت به تأمین اشتغال کامل و بهینه نیروی انسانی، محدودیت زمین، مرتع، مکانیزه شدن کشاورزی و کوچک بودن اراضی زراعی در سطح نواحی روستایی، توجه به صنایع کوچک و ترقی و رونق دادن آن در نواحی روستایی امری ضروری است. از این رو پژوهش حاضر که از نوع مطالعات کتابخانه‌ای می باشد و اطلاعات مورد نظر از طریق کتب، مدارک، اسناد، مجلات و پژوهشهای انجام شده قبلی گردآوری شده است، ضمن تأکید بر اهمیت استقرار صنایع کوچک در مناطق روستایی به بررسی آثار و پیامدهای استقرار این صنایع در مناطق روستایی پرداخته است. نتایج نشان داد که به طور کلی می توان اثرات صنعتی شدن روستایی را به پنج عامل: ایجاد اشتغال پویا و افزایش درآمد، کاهش مهاجرتهای روستایی، کاهش نابرابریهای منطقه‌ای، افزایش رفاه روستایی و گسترش صادرات روستایی طبقه‌بندی کرد.

واژگان کلیدی: اشتغالزایی، توسعه پایدار، توسعه روستایی، روستا، صنایع کوچک.

مقدمه

یکی از اساسی ترین مشکلات اقتصادی بخش کشاورزی ایران در گذشته و در حال حاضر پائین بودن میانگین درآمد روستائیان است. پائین بودن درآمد خود علت بسیاری از نابسامانیها از جمله افزایش فقر، نابرابری، مهاجرت و غیره است. پائین بودن درآمد روستائیان دارای دلایل متعددی است که یکی از مهمترین آنها بیکاری پنهان و آشکار موجود در بخش کشاورزی است که علت آن نیز عدم قابلیت اشتغالزایی در این بخش می باشد. در حال حاضر بخش کشاورزی از لحاظ جذب نیروی انسانی با مشکلات متعددی روبروست و با گذشت زمان این مشکلات افزایش خواهد یافت. عدم توانایی بخش کشاورزی در جذب نیروی انسانی و افزایش جمعیت جویای کار، افزایش تقاضای کار از سوی زنان و کوچک بودن واحدهای زراعی در روستاها باعث فشار بیش از حد بر زمین شده است. کثرت تعداد افراد شاغل در این بخش باعث کاهش بهره‌وری نیروی کار شده، بیکاری پنهان و آشکار در روستاها را افزایش داده است. افزایش بیکاری در بخش کشاورزی به علت تعداد زیاد شاغلان در این بخش و بیکاری فصلی باعث کاهش درآمد روستائیان و افزایش انگیزه مهاجرت به شهرها گردیده است (کوپاهی و دربان آستانه، ۱۳۸۱).

در حال حاضر تنها راه حل ممکن برای حل مشکلات روستاها و بخش کشاورزی استقرار صنایع کوچک روستایی است. نظریه صنعتی شدن مناطق روستایی به عنوان یک کاتالیزور در جهت ایجاد اشتغال پایدار به عنوان آخرین

چاره کار برای حل مشکل فقر مناطق روستایی، هم اینک بخشی بالقوه در جهت حل مشکل بیکاری و عاملی تسکین دهنده برای مناطق محروم روستایی محسوب میشود. (سامال، ۱۹۹۷)، لذا در این تحقیق سعی شده است که ضرورت‌های موجود برای این عمل به طور مختصر مورد بررسی قرار گیرد.

پیامدهای استقرار متناسب صنایع روستایی در مناطق روستایی خشک و نیمه خشک این واقعیت را نشان می‌دهد که اشتغالزایی بخش کشاورزی را میتوان راهبرد مناسبی برای اشتغال در این روستاها دانست و در این میان صنایع روستایی برای راهکار اشتغالزایی و افزایش درآمد روستائیان، نسبت به سایر فعالیتهای غیرکشاورزی مفیدتر است. به عبارت دیگر، صنعتی شدن روستا و گسترش واحدهای فعالیتهای غیرکشاورزی، عاملی مهم در افزایش رفاه، تأمین کالاها و خدمات ضروری برای خانوادههای فقیر روستایی است. اثرات و نفوذ صنعت در مناطق روستایی، ضمن ایجاد اقتصادی فعال، میتواند دارای اثرات تکاثری و نیز منجر به اقتصاد خود رانشی گردد. بنابراین، برنامه‌ریزی توسعه روستایی در این زمینه باید با بهره‌گیری از تحلیل فضایی و ارزشیابی پتانسیل‌های محیط، زمینه‌های هماهنگی جامعه روستایی را با محیط خود فراهم آورد (نوری، ۱۳۷۹).

بررسیهای موردی درباره پیامدهای استقرار صنعت در مناطق روستایی، به خوبی این واقعیت را نشان می‌دهد که اشتغالزایی بخش غیرکشاورزی را می‌توان راهبرد مناسبی برای اشتغال روستایی دانست و در این میان صنایع روستایی برای راهکار اشتغالزایی و افزایش درآمد روستائیان، نسبت به سایر فعالیتهای غیرکشاورزی مفیدتر است (شایان، ۱۳۸۶). صنایع کوچک روستایی به لحاظ توانایی بالایی که در جذب نیروی کار دارند، منابع عمدهای برای کسب درآمد هستند که منجر به کاهش شکاف درآمدی در سطح روستا می‌گردد. این بخش می‌تواند برای گروه‌های کم‌زمین یا فاقد زمین که درآمد کشاورزی پاسخگوی نیازهایشان نیست، به ویژه در دوران رکود کشاورزی (یعنی زمانی که تقاضا برای نیروی کار نسبت به فصل کاری کمتر است) ایجاد اشتغال و درآمد نماید بی تردید اشتغالزایی این بخش از خروج نیروی کار از روستاها که عامل اصلی رشد لجام‌گسیخته حاشیه شهرها و مشکلات عدیده اقتصادی - اجتماعی است، جلوگیری می‌کند (اسکینر، ۲۰۰۳).

سابقه صنایع کوچک در کشور

واحدهای تولیدی کوچک و صنایع کوچک از سال ۱۳۴۲ در اقتصاد ایران مطرح گردیدند. تا آن زمان صنعت عبارت بود از صنایع بزرگ و جدیدی که از دهه دوم قرن حاضر به بعد در ایران تأسیس شده بودند یا صناعی که از صنعتگران قدیمی به فرزندانشان به ارث رسیده بود. در آن تاریخ دولت با همکاری سازمان ملل متحد اقدام به تأسیس سازمانی به نام سازمان نواحی صنعتی نمود که هدف آن تأسیس نواحی صنعتی در نقاط مختلف کشور بود. سازمان مزبور در سال ۱۳۴۷ به سازمان صنایع کوچک و نواحی صنعتی ایران تغییر نام داد تا بتواند برنامه‌های جامع توسعه صنایع کوچک را به مورد اجرا بگذارد. این سازمان تا سال ۱۳۵۴ انجام وظیفه می‌نمود سپس با تصویب قوانین و ضوابطی در مورد صنایع کوچک سازمان صنایع کوچک وابسته به وزارت صنایع و معادن تأسیس گردید. پس از انقلاب اسلامی صنایع کوچک به وزارت صنایع منتقل شد و پس از مدتی منحل گردید. از آن زمان سازمان خاص و منحصری با هدف خاص رشد و توسعه صنایع کوچک جهت ارائه رهنمودهایی نداریم و ارائه خط‌مشی‌های خاص با توجه به شرایط خاص صنایع کوچک وجود ندارد (بیک‌محمدی، ۱۳۸۶). بنابراین عدم وجود سازمان خاص صنایع کوچک دلیل عمده ناموفق بودن این صنایع در گذشته بوده است.

مقایسه صنایع کوچک و بزرگ

تفاوت‌های اساسی بین صنایع کوچک و واحدهای بزرگ بصورت خلاصه در جدول ۱ آورده شده است (مستوفی و عباسی، ۱۳۸۹):

جدول ۱: مقایسه صنایع کوچک و بزرگ

شرح	صنایع کوچک	صنایع بزرگ
ویژگی مدیریت	فردی با قابلیت انعطاف بالا	گروهی با قابلیت انعطاف محدود
ویژگی خط تولید	کوتاه با قابلیت انعطاف بالا	طولانی با قابلیت انعطافناپذیر
نوع تولید	انعطاف پذیر و به طور عمده مبتنی بر سفارش	تولید انبوه و انعطافناپذیر
وضعیت جذب	قدرت بالا در جذب تکنولوژی	زمان طولانی، اتلاف منابع، ریسک پذیری زیاد در انتقال و جذب تکنولوژی
صرفه جویی مقیاس	استفاده از صرفه جویی در مقیاس تولید	محدودیت در استفاده از صرفه جویی های مقیاس تولید در بعضی از اندازه های تولید
تربیت کارآفرین	قدرت بالا در تربیت کارآفرینان به دلیل محدودیت تولید	تخصصی کردن مدیریت و فقدان زمینه مناسب برای رشد کارآفرینان
ساختار بازار	به دلیل محدودیت حوزه تولید بازار را رقابتی تر می کند و کارایی بازار را افزایش می دهد	به دلیل پوشش سطح گسترده های از بازار ساختار آن را انحصاری می کند و عدم کارایی بوجود می آورد
وابستگی	به خاطر سادگی فرآیند تولید و استفاده بیشتر از نیروی انسانی و امکانات محلی وابستگی کمتری دارد	به دلیل پیچیده بودن خط تولید و اتکای شدید به سخت افزار تولیدی وابستگی بیشتری دارد
تعادل های اقتصادی	به دلیل قدرت پراکندگی ثروت و مساحت موجب تعادل در ثروت و رفع نابرابری های منطقه ای می شود	به دلیل فقدان قابلیت تحرک و نیاز به زیربنای گسترده تولیدی قدرت کمتری در رفع نابرابری های منطقه ای دارد

علل توجه به صنایع روستایی

صنایع روستایی نقش بسزایی در افزایش درآمد روستائیان و ایجاد اشتغال در این بخش دارد. در ضمن صنایع روستایی می توانند نقش مؤثری در توسعه اقتصادی روستاها و کشور داشته باشند. این صنایع جدا از توان اشتغالزایی بالایی که دارد، می تواند در حل مسائل نابرابری و توزیع درآمد و امکانات، مهاجرت، امنیت ملی، آمایش سرزمین، رشد بیش از اندازه جمعیت شهرها و آلودگی آن و دیگر موارد بسیار مؤثر باشد. صنایع روستایی همچنین به علت مواردی همچون نیاز به سرمایه گذاری اندک در مقایسه با صنایع بزرگ، هزینه تولید به نسبت مناسب، نیاز کمتر به ارز خارجی و توان ارز آفرینی و افزایش صادرات، امکان استفاده از صنایع و امکانات موجود در نواحی روستایی، افزایش بهره وری ارزش افزایی تولید بخش کشاورزی، می تواند نقش بسیار مهمی را در توسعه اقتصادی روستاها و کشور ایفا کند (بیک محمدی، ۱۳۸۶).

از نظر رکن الدین افتخاری سیاستهای تمرکززدایی صنعتی در مناطق روستایی باید به چهار دلیل عمده صورت پذیرد: ۱- عدالت و برابری ۲- محیط زیست سالم ۳- ماهیت کار ۴- سازمان اجتماعی. تمرکززدایی صنعتی به ایجاد درآمد و افزایش مصرف در مناطق روستایی منجر شده، از آلودگی محیط زیست کاسته می شود. به دلیل ماهیت صنایع روستایی که

اهداف اقتصادی و اجتماعی توسعه روستایی مؤثر باشند. در این بخش به برخی از مهمترین خصوصیات صنایع کوچک میپردازیم.

صنایع کوچک و متوسط از نظر صرفه‌جویی در مقیاس تولید، در بخشی از تولیدات نسبت به صنایع بزرگ برتری دارند. مطالعات نشان داده‌اند که اگر واحد تولید از حد مشخصی بزرگتر شود، موجب عدم کارایی خواهد شد. کوچک شدن واحدهای اقتصادی در کشورهای غرب و تقسیم‌سازمانی مؤسسات بزرگ به واحدهای مستقل کوچک، نمونه‌هایی از این قانونمندی اقتصادی به شمار می‌رود (صحرائیان، ۱۳۸۰). با توجه به جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد، به ویژه اهمیت این بخش در امر امنیت غذایی، یکی از زنجیره‌های مهم این بخش که می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از ضایعات، ایجاد تقاضا، افزایش ارزش افزوده و ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی ایفا کند، صنایع تبدیلی و تکمیلی روستایی است که به‌طور عمده در قالب صنایع کوچک از نظر تعداد کارگران ایجاد می‌شوند.

همچنین صنایع کوچک و متوسط نقش بسیار مهمی در اشتغالزایی به ویژه برای کارگران با مهارت محدود و زنان کم درآمد دارند. بنگاههای اقتصادی کوچک و متوسط نیروی محرکه مهمی را برای دست یابی به رشد اقتصادی پایدار در راستای اهداف فقرزدایی فراهم می‌کنند. با توجه به این که صنایع کوچک و متوسط به طور معمول بیشتر از صنایع بزرگ به تأمین‌کنندگان محلی وابسته هستند، در نتیجه به‌طور غیرمستقیم باعث ایجاد فرصتهای شغلی می‌شوند. این صنایع به سرمایه کمی به ازای هر نفر نیروی کار نیاز دارند، در حالی که چنین شرایطی به‌طور عمده در صنایع بزرگ فراهم نیست. در صنایع بزرگ اغلب سعی می‌شود که در فرآیند تولید از نیروی کار کمتری استفاده شود و عمدتاً این سیستم‌های کنترل و فناوری ماشینی است که روند تولید را بر عهده دارد (اکس، ۱۳۸۱). سازمان توسعه صنعتی وابسته به سازمان ملل، ضمن تأکید بر فرآیند استقرار صنعت در مناطق روستایی، بیان می‌دارد که با ارتقای سرمایه‌گذاری‌های کوچک مقیاس بر پایه استفاده از منابع محلی، میتوان اشتغال و درآمد را در روستاها بهبود بخشید. در صنایع کوچک مقیاس روستایی عموماً از کارگران با مهارت‌های محدود استفاده می‌شود.

مسئله دیگر تنوع محصولات است. صنایع کوچک به سادگی و با سرعت می‌توانند در زمینه تولیدات جدید اقدام کنند. بنگاههای بزرگ به سبب پیروی از منطق خاص رقابتی خود حداقل در مراحل اولیه از تولیدات جدید چشم‌پوشی می‌کنند. صنایع بزرگ مجبورند هزینه‌های سنگینی را برای نگهداری مراکز بزرگ تحقیق و توسعه، هزینه‌های تبلیغات، بازاریابی و روابط عمومی متقبل شوند. چیزی که در صنایع کوچک اصولاً یا مطرح نیست و یا بسیار محدود است. سرشکن شدن این هزینه‌ها در قیمت محصولات در صنایع بزرگ سبب می‌شود تا در نهایت قیمت بعضی از تولیدات در صنایع بزرگ، بسیار بالاتر از محصولات مشابه در صنایع کوچک باشد (اکس، ۱۳۸۱). جدول ۲ به طور خلاصه خصوصیات برجسته صنایع کوچک و هماهنگی آنها با اهداف اجتماعی و اقتصادی توسعه را نشان می‌دهد.

به‌طور عمده کوچک مقیاس و کاربر هستند، روابط منطقی میان کار و نوع فناوری با انتخاب فناوری مناسب ایجاد شده و با توزیع فضایی صنایع، نوعی سازمان اجتماعی متوازن در سکونت‌گاه‌های روستایی شکل می‌گیرد (افتخاری و طاهرخانی، ۱۳۸۱).

از دیدگاه امین‌آقایی نیز اهداف عمده راهبرد صنعتی کردن روستاها را می‌توان این گونه برشمرد:

- ۱- ایجاد اشتغال غیرکشاورزی برای روستاییان بیکار یا نیمه بیکار
- ۲- همیاری در جلوگیری از جریان مهاجرت به مراکز شهری
- ۳- تقویت پایه‌های اقتصادی در مراکز روستایی
- ۴- استفاده بیشتر از مهارت‌های موجود در مناطق روستایی
- ۵- فرآوری تولیدات کشاورزی محلی
- ۶- تهیه نهاده‌های اساسی و کالاهای مصرفی برای کشاورزان و دیگر افراد محلی (امین‌آقایی، ۱۳۸۷).

مشکلات پیش روی صنایع روستایی

سازمان صنایع کوچک ایران مشکلات خاص صنایع کوچک و متوسط در ایران را به شرح زیر تقسیم بندی می‌کند: (سازمان صنایع کوچک ایران، ۱۳۸۰)

- ۱- ضعف نهادهای جمعی و تشکلهای حرفه‌ای که بتوانند واحدهای کوچک را در زمینه اتخاذ راهکارهای مناسب راهنمایی کنند. وجود این گونه نهادهای به ویژه در فراهم آوردن زمین‌های لازم برای دستیابی به بازارهای صادراتی الزامی است.
- ۲- وجود محدودیتهای مختلف در دستیابی به تسهیلات اعتباری و وامهای بانکی با توجه به این واقعیت که مبالغ زیادی از این گونه تسهیلات در اختیار واحدهای بزرگ قرار می‌گیرد.
- ۳- عدم دسترسی به اطلاعات صحیح و کافی در زمینه‌های مختلف از جمله نوع و میزان سرمایه‌گذاری، انتخاب مکان و ماشین‌آلات مناسب، اطلاع از قراردادهای فرعی و پیمانکاری با واحدهای بزرگ و اطلاع از تغییرات فناوری.
- ۴- محدود بودن تجربه و تواناییهای اکثر مدیران واحدهای کوچک به امور مستقیم تولید و نداشتن توانمندیهای لازم در امور مدیریت یک کسب و کار سودآور، از جمله بی‌اطلاعی از برنامه‌ریزی مالی برای شروع یک پروژه، چگونگی تخصیص منابع مالی به فعالیت‌های مختلف در زمان تولید، نداشتن درک صحیح از اهمیت فروش و توزیع و حس نکردن نیاز به ارتقای تواناییهای مدیریتی به طور مستمر.
- ۵- فراهم نبودن زمینه برای آموزش و ایجاد مهارت در نیروی کار به دلیل نرخ بالای جابجایی شغلی به خصوص در زمینه نیروهای توانمند و متخصص. در این زمینه می‌توان به مشکلات ناشی از قانون کار برای واحدهای کوچک نیز اشاره کرد.
- ۶- کافی نبودن حمایت و پشتیبانی از کارآفرینی و نوآوران.

صنایع روستایی در راستای تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی توسعه روستایی

صنایع کوچک روستایی می‌توانند در دستیابی به سهم قابل توجهی از

جدول ۲- خصوصیات صنایع کوچک در راستای اهداف اقتصادی و اجتماعی توسعه پایدار روستایی

اهداف اقتصادی توسعه پایدار روستایی	اهداف اجتماعی توسعه پایدار روستایی	صنایع کوچک
افزایش درآمد و اشتغال پایدار	فقرزدایی و احساس امنیت	اشتغالزایی و درآمدزایی با سرمایه محدود
توزیع عادلانه درآمد	ایجاد فرصتهای برابر	مبتنی بر طبقات ضعیف
خوداتکایی	توانمندسازی	کارآفرین و نوآوری
فناوری سازگار با تغییرات محیط	رواج الگوی صحیح مصرف	انعطاف پذیری
حل مشکلات اقتصادی با افزایش مشارکت	افزایش سرمایه اجتماعی	مبنی بر کار گروهی

نتیجه گیری و پیشنهادات

با بیان مطالب ارائه شده در این مطالعه و اهمیت گسترش صنایع کوچک در محیط روستایی می توان انتظار داشت که ضمن تحقق مهمترین اهداف توسعه در این مناطق به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد گروههای کم درآمد روستایی باعث کاهش فقر در مناطق روستایی شد. به طور کلی می توان اثرات صنعتی شدن روستایی را به پنج عامل مهم زیر طبقه بندی کرد: ۱- ایجاد اشتغال پویا و افزایش درآمد ۲- کاهش مهاجرت های روستایی ۳- کاهش نابرابری های منطقه ای ۴- افزایش رفاه روستایی ۵- گسترش صادرات روستایی.

از این رو جهت دستیابی به اهداف فوق لازم است تا تدابیری از سوی دولت و مردم روستایی اتخاذ گردد، لذا جهت این امر پیشنهاداتی ارائه می گردد که عبارتند از:

۱- گرچه صنایع کوچک روستایی از قابلیت های خاصی برخوردار می باشند که با استفاده از آنها می توانند تأثیر قابل توجهی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی روستا داشته باشند، اما بکارگیری این قابلیت ها نیاز به مدیریتی پویا و مسلط دارد تا با بهره گیری از ابزارهای موجود، ضعفها و تهدیدها را تبدیل به نقاط قوت و فرصت نماید. از آنجایی که فقدان مهارت های مدیریتی در بین مدیران ینگاهها از عمده ترین مسائل صنایع کوچک روستایی ایران بشمار می آید، لذا ایجاد مراکز مشاوره مدیریت صنایع کوچک روستایی می تواند در جهت افزایش توان مدیریتی مدیران این صنایع نقش مهمی داشته باشد.

۲- تشکیل تعاونیها و مراکز تأمین اعتبارات برای تأمین سرمایه و مواد اولیه صنایع روستایی جهت کاهش هزینه های این صنایع.

۳- اعطای یارانه های مستقیم، معافیت های مالیاتی.

۴- مشارکت خود روستائیان در زمینه سرمایه گذاری با تأسیس شرکت های تعاونی یا قرض الحسنه های روستایی، زیرا از این طریق میتواند سرمایه لازم برای مشارکت را فراهم آورند.

۵- ایجاد صنایع کوچک کاربر جهت جلوگیری از مهاجرت های افراد بیمار جویای کار و همچنین گسترش صنایع کوچک سرمایه بری که مواد اولیه آن به میزان کافی در منطقه مورد نظر وجود دارد نیز می تواند جهت این امر مفید واقع گردد.

۶- بهبود زیرساخت های نظیر آب، برق، جاده سازی و سایر خدمات جهت بهبود وضعیت حمل و نقل و دسترسی آسان تر به بازار مصرف.

منابع:

۱. اکس، ز، توریک، ر. و کارلسون، ب (۱۳۸۱)، "نقش صنایع کوچک در اقتصاد مدرن"، ترجمه: جهانگیر مجیدی، تهران، انتشارات رسا.
۲. امین‌آقایی، م (۱۳۸۷)، "بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک از دیدگاه کارشناسان توسعه روستایی"، فصلنامه روستا و توسعه، سال یازدهم، شماره ۴، زمستان، ۱۴۶-۱۲۵.
۳. بیک‌محمدی، ح. و اسدی، م (۱۳۸۶)، "ضرورت توجه به صنایع کوچک روستایی مطالعه موردی: شهرستان فریدمن"، مجله تدبیر، دوره ۱۸، شماره ۷۱، ۱۹-۱۵.
۴. رکن‌الدین افتخاری، ع. و طاهرخانی، م (۱۳۸۱)، "استقرار صنعت در روستاها و نقش آن در رفاه مناطق روستایی"، فصلنامه مدرس، دوره ششم، شماره ۲، تابستان، ۲۲-۱.
۵. سازمان صنایع کوچک ایران (۱۳۸۰)، "سیاست‌های موفق توسعه صنایع کوچک در ۲۰ کشور صنعتی و در حال توسعه"، تهران، انتشارات سازمان صنایع کوچک ایران.
۶. شایان، ح. و شاهی اردبیلی، ح (۱۳۸۶)، "نقش صنایع روستایی در توزیع بهینه درآمد: مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان مشهد"، فصلنامه روستا و توسعه، سال دهم، شماره ۲، تابستان، ۲۱۲-۱۹۶.
۷. صحرائیان، م (۱۳۸۰)، "سازمان دهی صنایع کوچک در ایران"، تهران، انتشارات هدف.
۸. کوپاهی، م. و دربان آستانه، ع (۱۳۸۱)، "اندازه‌گیری و تحلیل بهره‌وری صنایع کوچک روستایی (مطالعه موردی: استان خراسان)"، مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۳، شماره ۴، ۶۶۹-۶۶۱.
۹. مستوفی، م. و عباسی، ا (۱۳۸۹)، "بررسی میزان تحقق اهداف مورد نظر (اهداف تولیدی، اشتغالزایی، سودآوری) در طرح بنگاه‌های زودبازده در استان قم"، مجله مطالعات مالی، شماره ۷، پائیز، ۱۸۵-۱۶۱.
۱۰. نوری، ه (۱۳۷۹)، "تحلیل فضایی در جغرافیای کشور"، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، سال هشتم، شماره ۳۹، ۲۰.

11. Samal Kishore. C., (1998), "Rural non-Farm Activities in specific Regions of Orissa," Journal of Rural Development, Vol. 16, No. 3, pp. 1-26.
12. Skinner, N. M., Alun, E. J. and Kuhn, R. G., (2003), "Social and Environmental regulation in rural china." Geoforum, Vol 34, No 2.

